



فهرست مطالب

۲	..... مقدمه
۲	..... گستره جریان قواعد عام شش گانه
۲	..... تقسیم قواعد عام به دو دسته
۲	..... نکاتی پیرامون قاعده «دعوة إلى الخير»
۳	..... ادامه قواعد عام قابل تمسک
۳	..... ۷. قاعده «امر به معروف و نهی از منکر»
۳	..... وجه تمایز این قاعده نسبت به قواعد سابق
۴	..... محل جریان این قاعده
۴	..... زاویه اول
۴	..... زاویه دوم
۵	..... نوع ولایت موجود در این قاعده
۵	..... انواع روش‌های تربیتی در این قاعده
۵	..... نحوه اسقاط تکلیف
۶	..... انواع امتثال تکلیف
۶	..... اقسام تکلیف و مراتب آن
۷	..... شرایط و ضوابط موجود
۷	..... انواع امر و نهی
۷	..... بررسی شرط احتمال تأثیر
۸	..... بررسی سایر شرایط
۸	..... نحوه تأثیر این قاعده
۸	..... ۸. قاعده «نصح المؤمن»
۹	..... ۹. قاعده «احسان و برّ به دیگران»
۹	..... ۱۰. قاعده «اهتمام به امور مسلمین»



بسم الله الرحمن الرحيم

## مقدمه

همان‌طور که بیان شد ما در فقه با قواعد عامی مواجه هستیم که در ابواب مختلف فقه تربیتی جریان دارد. بعضی از این قواعد خیلی عام بوده و می‌تواند در ابواب دیگر فقه نیز جاری باشد. همچنین بعضی از این قواعد، بیشتر حوزه تعلیم و تربیت و ... را در برمی‌گیرد.

## گستره جریان قواعد عام شش‌گانه

پیش از این، به شش قاعده عامی که در حوزه تعلیم و تربیت جریان داشتند، اشاره کردیم. از این شش قاعده، پنج قاعده تنها در حوزه تعلیم و تربیت جریان دارد که عبارت‌اند از: «ارشاد جاهل»، «تعلیم ابواب هدایت»، «نشر علم»، «حرمت کتمان علم» و «دعوة إلى الخیر». و اما قاعده «اعانه علی البر» اعم است؛ یعنی هم در حوزه آموزش و تعلیم و تربیت جریان دارد و هم در حوزه فرا آموزشی.

## تقسیم قواعد عام به دو دسته

پس قواعد عام مذکور را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد:

۱. قواعد عامی که در حوزه آموزش و تعلیم و تربیت جریان دارند که از آن شش قاعده عامی که گفته شد، پنج قاعده، یعنی «ارشاد جاهل»، «تعلیم ابواب هدایت»، «نشر علم»، «حرمت کتمان علم» و «دعوة إلى الخیر» جزو این دسته قرار می‌گیرند.

۲. قواعدی عامی که علاوه بر حوزه آموزش، حوزه فرا آموزشی را نیز در برمی‌گیرند که قاعده «اعانه علی البر» از این دسته است.

## نکاتی پیرامون قاعده «دعوة إلى الخیر»

در قاعده «دعوة إلى الخیر» گفته شد که «دعوت»، یک واژگان قرآنی است و همان‌طور که واژه «تبلیغ» و «ابلاغ» در قرآن آمده، واژه «دعوت» نیز آمده است. حتی فراتر از آن، در روایات و متون نیز بر «أدعوا إلى الله»، «داعياً إلى الله» و ... تأکید شده است.



همچنین گفته شد که دعوت به خیر، غیر از امر به معروف و نهی از منکر است. مطالبی در این باره از جمله ادله مسئله را بیان کردیم و گفتیم که دعوت، غیر از امر و نهی است. در امر و نهی یک نوع مولویت لحاظ می‌شود؛ ولی در دعوت جنبه نصیحت و خیرخواهی وجود دارد.

این قاعده از نظر وجوب و استحباب تابع مدعو است. اگر مدعو الیه یک امر الزامی مورد ابتلا باشد، دعوت واجب و اگر مدعو الیه الزامی نباشد، مستحب می‌شود. بنابراین این قاعده از این نظر مثل قاعده «ارشاد جاهل» است که یک بخشش با شرایطی، الزامی است و بخش دیگرش استجابی.

نکته دیگر در مورد این قاعده این بود که هم بعد تعلیمی را در برمی‌گیرد، هم بعد تربیتی و ترغیبی را. به عبارت دیگر هم می‌تواند کسی را که نمی‌داند، دعوت به خیر کند و به او آگاهی دهد و هم اینکه اگر می‌داند ولی عمل نمی‌کند، او را فراخواند و موعظه و نصیحت کند.

در ذیل عنوان «دعوة إلى الخیر»، گاهی عنوان دیگری نیز در روایات و کلام فقها آمده است و آن «ترغیب و حَسَّ إلى الخیر» است که به دعوة إلى الخیر برمی‌گردد؛ یعنی کسی را به انجام کار خیر و نیک ترغیب کند و برانگیزاند. این عنوان دیگری است که گاهی آمده، ولی مفاد آن با دعوة إلى الخیر یکی است.

## ادامه قواعد عام قابل تمسک

تاکنون شش قاعده، از قواعد و ادله عامی که می‌توان به آن‌ها تمسک کرد، ذکر شد که پنج مورد از آن‌ها عناوین و قواعدی بودند که مربوط به حوزه تعلیم بودند و یک مورد از آن‌ها اعم از حوزه تعلیم و حوزه ترغیب و تربیت. سایر این قواعد عام عبارت‌اند از:

### ۷. قاعده «امر به معروف و نهی از منکر»

#### وجه تمایز این قاعده نسبت به قواعد سابق

هفتمین قاعده، قاعده «امر به معروف و نهی از منکر» است که از فرایض واضح و از تکالیف مهم است. نکته مهم در این قاعده این است که امر به معروف و نهی از منکر برخلاف قواعد سابق، جنبه تعلیمی ندارد؛ بلکه فقط جنبه تربیتی بعد از آگاهی دارد.



## محل جریان این قاعده

### زاویه اول

همان‌طور که گفته شد قاعده «امر به معروف و نهی از منکر» تنها جنبه تربیتی دارد نه تعلیمی. به همین دلیل است که در بخشی از فقه آمده اگر شخص در مورد آن معروف یا منکر آگاهی ندارد، عنوان امر به معروف و نهی از منکر بر او صدق نمی‌کند و باید از باب ارشاد جاهل به او یاد داد. در تحریر الوسیله نیز یکی از شرایط امر به معروف و نهی از منکر این‌گونه بیان شده که بدانیم شخص آگاهانه خلاف انجام می‌دهد. پس اگر نمی‌داند، دیگر امر به معروف و نهی از منکر صدق نمی‌کند؛ بلکه ابتدا باید از باب ارشاد جاهل چیزی را که نمی‌داند به او تعلیم داد و سپس دید که آیا آن خلاف را ترک می‌کند یا خیر؛ اگر پس از آگاهی دادن شخص متنبه شد، نوبت به امر به معروف و نهی از منکر نمی‌رسد و همان ارشاد کار خود را کرده است؛ ولی اگر به خلاف خود ادامه داد، در آن صورت امر به معروف و نهی از منکر مصداق پیدا می‌کند.

### زاویه دوم

باید توجه داشت که امر به معروف و نهی از منکر جنبه رفعی دارد نه دفعی؛ یا حداقل وجه غالب آن رفع است نه دفع. به عبارت دیگر امر به معروف و نهی از منکر بعد از آن است که کسی منکری را انجام داده یا در آستانه انجام دادن آن باشد. به همین دلیل است که جایگاه اصلی این قاعده در حوزه تربیت است؛ البته تربیت پیشگیرانه محدود. یعنی بیشتر جنبه درمانی و برخورد بعد از ارتکاب یا شروع در مقدمات ارتکاب را دارد؛ ولی این‌که بخواهد زمینه‌سازی کند تا شخص مرتکب خلاف نشود، ربطی به امر به معروف و نهی از منکر ندارد.

بنابراین امر به معروف و نهی از منکر در جایی است که شخص مرتکب خلافی شده است و بخواهیم جلوی استمرارش را بگیریم؛ یا این‌که در حال انجام مقدمات خلاف باشد. اما اگر در فاصله دوری از معصیت قرار دارد و هنوز نشانه‌هایی از این‌که شروع به ارتکاب گناه کرده است، وجود ندارد، در اینجا امر به معروف و نهی از منکر صدق نمی‌کند؛

نهی از مکروه یا امر به مستحب، مستحب است ولی واجب نیست. قواعد استنباطی‌اش در مستحبات و مکروهات دامنه‌اش کمی وسیع‌تر است.



## نوع ولایت موجود در این قاعده

روش تربیتی در امر به معروف و نهی از منکر روشی است که در آن، خداوند ولایت و اقتدار را قرار داده است. این همان ولایت عمومی است که خدا به همه مؤمنین در یک محدوده معین داده است که آیه شریفه «المؤمنین و المؤمنات بعضهم اولیاء بعض یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر» (توبه/۷۱) ناظر به آن است؛ یعنی همه به نوعی بر دیگری ولایت دارند. البته این ولایت در حد ولایت امام، حاکم و فقیه نیست؛ بلکه ولایت محدود است. محدوده این ولایت این است که وقتی کسی یک قدم خطا برداشت، این ولایت به وجود می‌آید.

## انواع روش‌های تربیتی در این قاعده

با توجه به این که امر به معروف و نهی از منکر را به عنوان یک روش تربیتی در نظر می‌گیریم، این روش‌های تربیتی دو نوع هستند: ۱. روش‌های تربیتی‌ای که مثل دعوت، ارشاد و موعظه جنبه اقتداری و ولایی در آن‌ها وجود ندارد. ۲. روش‌های تربیتی‌ای که آمیخته با نوعی ولایت و اقتدار است و خدا این ولایت و اقتدار را به او داده است؛ یعنی امر و نهی است نه تقاضا و خواهش و این بر اساس ولایتی است که خدا به آمر و ناهی داده است؛ مثل روش‌های تربیتی که حاکم در خیلی جاها به کار می‌گیرد.

در بسیاری از مواقع روش‌های حکومتی نیز روش‌های تربیتی هستند؛ البته روش تربیتی‌ای که با نوعی ولایت و امر و نهی ولایی همراه باشد. این ولایت را خدا به طور وسیع‌تر به حکومت و در یک محدوده‌ای به خانواده و همچنین عموم جامعه داده است.

این یک تقسیم‌بندی در روش‌های تربیتی است. روش‌هایی که جنبه اقتداری و ولایی دارد که در حکومت خیلی برجسته است؛ در یک سطح محدودتر به خانواده و در یک درجه‌ای نیز به عموم جامعه داده می‌شود که یکی از مصادیقش امر به معروف و نهی از منکر است.

## نحوه اسقاط تکلیف

وظیفه مکلف این است که امر و نهی کند. حال اگر به جای امر و نهی، تقاضا کرد ولی شخص خاطی عمل کرد، در این صورت تکلیف ساقط می‌شود. البته تکلیف امر و نهی را امتثال نکرده است؛ ولی چون دیگر موضوع تکلیف وجود ندارد، آن تکلیف ساقط می‌شود. اما در صورتی که با خواهش و تقاضا حل نمی‌شود، باید امر و نهی کند.

## انواع امثال تکلیف

اگر تکلیف امر و نهی است، ولی بدون آن و با تقاضا مسئله حل شد، در اینجا تکلیف به امر و نهی امثال نشده، ولی کاری کرده که موضوع تکلیف منتفی شود؛ چون انسان دو جور می‌تواند به تکلیف عمل کند: ۱. این‌که اطاعت کند. ۲. این‌که کاری کند که موضوع مرتفع شود. اینجا عمل به تکلیف از باب ارتفاع موضوع است. در تحریرالوسیله حضرت امام نیز در این باره آمده است که تکلیف از او ساقط می‌شود؛ نگفته به تکلیف عمل کرده است، بلکه می‌گوید تکلیف ساقط می‌شود. پس این یک ولایت عمومی است که مکلف می‌تواند بر انجام یا ترک فعل فرمان دهد؛ ولی اگر بدون فرمان انجام می‌شود، تکلیف ساقط می‌شود نه این‌که به تکلیف عمل شده باشد.

## اقسام تکلیف و مراتب آن

در امر به معروف و نهی از منکر، تکلیف به الزامی و غیر الزامی تقسیم می‌شود؛ مثل خود ارشاد یا دعوت. فقها گفته‌اند امر به معروف و نهی از منکر در واجبات و محرمات الزامی است و در مستحبات و مکروهات استحبابی؛ لذا امر به معروف و نهی از منکر به واجب و مستحب تقسیم می‌شود.

گاهی در یک روش، طیف وجود دارد؛ یعنی در یک رتبه مستحب است و در رتبه دیگر واجب. این هم یک قاعده در روش‌های تربیتی است که ما باید در همه جا به آن توجه کنیم. روش تربیتی نیز از آن اقسامی است که طیف دارد و از مستحب تا واجب می‌آید.

به نظر می‌رسد در مستحب و واجب نیز مراتبی وجود دارد. مراتب این تابع، متعلق امر و نهی است که یک قاعده می‌باشد. شاید در ارشاد و ... نیز این‌گونه باشد. ارتکازات ما با این موافق است و شاید نشانه‌هایی نیز در روایات وجود داشته باشد؛ قواعدی مثل ارشاد، دعوت، نشر علم، حرمت کتمان علم یا امر به معروف و نهی از منکر. این قواعد از لحاظ درجه حکم، مستحب و واجب دارند و هر یک از آن‌ها نیز دارای مراتبی می‌باشند.

قاعده کلی این است که درجه استحباب و وجوب و مراتب هر کدام از آن‌ها، تابع متعلقی است که این امر و نهی به آن تعلق می‌گیرد. به همان اندازه که مستحبی بیشتر مورد تأکید باشد، امر و نهی‌اش نیز بالاتر می‌شود. اگر واجبی ضعیف‌تر باشد، امر و نهی‌اش در رتبه پایین‌تری قرار می‌گیرد ولی اگر واجب یا حرامی در رتبه‌های خیلی بالا باشد، امر و نهی‌اش خیلی بالاتر است. پس در تبعیت و درجه حکم امر به معروف و نهی از منکر و حتی قواعدی همچون ارشاد، نشر و ... قاعده کلی این است که درجه حکم، تابع متعلقی است که این روش به آن تعلق پیدا کرده است؛ چه از لحاظ



استحباب و وجوب و چه از لحاظ درجه تأکید استحبابی یا وجوبی. تابع این است که چه حکمی را بخواهد ارشاد کند و نشر دهد یا مورد امر و نهی قرار دهد.

## شرایط و ضوابط موجود

امر به معروف و نهی از منکر به عنوان یک روش ولایی به معنای عام و تربیتی با آن قیودی که ذکر شد، دارای حدود و ضوابطی است. هر یک از این روش‌های تعلیمی یا تربیتی چه از نوع عمومی غیر ولایی و چه از نوع ولایی، همه دارای شرایط و ضوابطی هستند. امر به معروف و نهی از منکر نیز شرایط و ضوابطی دارد. به همان شکلی که در فقه ملاحظه کردید که عالم بودن، احتمال تأثیر، رعایت درجات و رعایت مراتب، این‌ها حدود و ضوابطی است که در کلمات فقها برای امر به معروف و نهی از منکر آمده است که یکی از آن‌ها همان رعایت مراتب است.

## انواع امر و نهی

امر و نهی گاهی با قول ابراز می‌شود، گاهی با اشاره و گاهی هم ممکن است با حالت‌های شخصی دیگر؛ به عنوان مثال وقتی کودک کار بدی انجام می‌دهد، گاهی با اشاره و گاهی با اخم به او می‌فهمانند که این کار را نکن. گاهی که اخم نشان‌دهنده ناراحتی است؛ مثل این‌که در ماشینی نشسته و غنائی را می‌شنود. از روی ناراحتی اخم می‌کند. با این‌که می‌داند اخمش هیچ اثری ندارد و کسی اخم او را نمی‌بیند. در اینجا اخم او واقعاً به خاطر ناراحتی است. ولی گاهی جلو می‌رود و با اخمش به راننده می‌فهماند که باید غنا را خاموش کند. در اینجا اخم او مصداق امر و نهی است. به همین دلیل در اصول گفته شده است که امر و نهی فقط به لفظ نیست؛ بلکه به این است که ردع و زجر یا بعث را اراده و ابراز کند. حال به هر طریق ممکن اعم از لفظ و غیر آن. پس عدم رضایت قلبی که هیچ ردع و زجر یا بعثی در آن نیست، مصداق امر و نهی نمی‌باشد.

## بررسی شرط احتمال تأثیر

بنابراین، امر به معروف و نهی از منکر در چهارچوب این شرایط سه تا پنج‌گانه قرار می‌گیرد که بعضی از آن‌ها، دارای ادله عقلی و بعضی دیگر دارای ادله شرعی هستند که در کتاب امر به معروف و نهی از منکر در مورد آن بحث شده است.

یکی از این شرایط، احتمال تأثیر است. البته احتمال تأثیر شرطی است که عقل نیز آن را می‌فهمد و در ادله نقلی هم به آن اشاره شده است. همین‌جا به صورت معترضه به این نکته هم اشاره کنیم که حضرت امام در تحریر الوسیله می-



فرماید در جایی که حتی یقین به عدم تأثیر دارد، باز هم امر به معروف و نهی از منکر واجب است. این حکم احتمالاً از باب امر و نهی نیست؛ بلکه از باب دیگری است که می‌گوید اگر سکوت علما موجب لوس مسائل یا ایجاد مفاسد دیگری شود، امر به معروف و نهی از منکر واجب است؛ اگرچه بدانند امر یا نهی‌اش هیچ اثری ندارد.

### بررسی سایر شرایط

قواعد دیگر مانند ارشاد جاهل، نشر، کتمان علم و دعوت إلى الخیر نیز ضوابط و شرایطی دارند. بعضی از شرایط آن‌ها با قاعده امر به معروف و نهی از منکر مشترک است؛ به عنوان مثال احتمال تأثیر یک شرط عقلایی است و در همه قواعد وجود دارد. البته در جای دیگری از فقه تربیتی می‌گوییم که بعضی از شرایط، شرایط وجوب امر به معروف و نهی از منکر نیستند؛ ولی باید به آن عمل کرد. مثل این‌که خود شخص به آنچه می‌گوید، عمل کند. این‌طور نیست که اگر عمل نکند، تکلیف ندارد.

### نحوه تأثیر این قاعده

طبعاً امر به معروف و نهی از منکر در صورت وجود شرایطش به عنوان یک قاعده در حوزه تربیت اجتماعی، جاری می‌شود؛ یعنی وقتی کسی از ضوابط اجتماعی اسلام در روابط اجتماعی تخطی می‌کند، امر به معروف و نهی از منکر به عنوان یک روش بازدارنده او را از این کار باز می‌دارد. برخلاف دعوة إلى الخیر یا ارشاد جاهل که روش تعلیمی یا تربیتی پیشگیرانه هستند، امر به معروف و نهی از منکر به عنوان یک روش تربیتی، بیشتر جنبه بازدارندگی دارد.

### ۸. قاعده «نصح المؤمن»

قاعده هشتم، قاعده «نصح المؤمن» است؛ یعنی این‌که انسان خیرخواه مؤمنان باشد و نسبت به آن‌ها دلسوزی داشته باشد. این قاعده در روایاتی در کتاب عشرت آمده است؛ مبنی بر این‌که انسان باید خیرخواه دیگران باشد. این خیرخواهی فقط به تعلیم و تربیت اختصاص ندارد؛ بلکه خیرخواهی در رسیدگی به معیشت، مسائل زندگی و حل مشکلات نیز هست.

البته از ادله خیرخواه مؤمن بودن، وجوب به دست نمی‌آید. چیزی که از ادله به دست می‌آید، استحباب مؤکد است؛ یعنی این‌که انسان نسبت به دیگران و مؤمنین، خیرخواه و دلسوز باشد. این قاعده‌ای است که می‌تواند به عنوان یک قاعده استحبابی در ذکر شود.





## ۹. قاعده «احسان و برّ به دیگران»

قاعده نهم، قاعده «احسان و برّ به دیگران» است. این قاعده نیز جزو قواعد عام استحبابی است. همچنین از آن دسته قاعده‌های عامی است که هم در تعلیم و تربیت جاری است و هم در غیر تعلیم و تربیت؛ این‌که به او علم و دانش دهد و در مسائل اعتقادی، اجتماعی، اقتصادی و امثال آن‌ها راهنمایی‌اش کند، یک نوع احسان است؛ ولی احسان و برّ اختصاص به آن‌ها ندارد و زندگی اقتصادی، اجتماعی، فردی و ... را نیز در برمی‌گیرد. این قاعده نیز استحبابی است و وجوب و الزامی در آن نیست.

## ۱۰. قاعده «اهتمام به امور مسلمین»

قاعده بعدی، قاعده «اهتمام به امور مسلمین» است. این قاعده نیز در ابواب عشرت آمده است که در آینده راجع به آن مطالبی را بیان خواهیم کرد.